

در آستانه سال تحصیلی جدید در ایران!

شکوفه‌هایی که پرپر می‌شوند!

روز شنبه ۲ مهر ماه سال تحصیلی جدید آغاز خواهد شد. بر اساس آمار ارائه شده ۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار دانش‌آموز وارد مدارس می‌شوند که از این تعداد یک میلیون و ۵۰۰ هزار نوآموز بوده و روز پنجشنبه با عنوان «روز شکوفه‌ها» مدرسه را آغاز می‌کنند.

مزمین کردن شروع مدارس با «روز شکوفه‌ها» و جشن عاطفه‌ها، ذره‌ای از وضعیت فلاکت‌بار آموزش و پرورش در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نه در بعد آموزشی و فرهنگی آن و نه از جنبه محرومیت و محدودیت‌های اقتصادی و مالی دریغ شده از آن کم نمی‌کند و نمی‌توانند پرده ساتری بر این درد بزرگ اجتماعی بکشند.

بصدا در آمدن زنگ مدارس، در دوم مهرماه در واقع، آغاز دور دیگری از مشکلات و مصائب برای نسل جوان این جامعه و برای دانش‌آموزان است که مجبورند بجای آموختن دانش، با آنها دست و پنجه نرم کنند. آنها سالی دیگر تحصیلی را زیر سلطه و موازین و مقررات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی آغاز می‌کنند که در آن به جای فراگیری علوم و دانش امروز بشریت مدرن، حفظ کردن قرآن و یاد گرفتن اسامی امامان اولویت دارد. بجای فراگیری خصوصیات و اخلاقیات آزاد اندیشانه، ترویج ارتجاعی‌ترین و خرافی‌ترین اعتقادات و باروهای مذهبی در دستور کار است. در واقع مدارس تحت حاکمیت خفقان سیاسی و مذهبی رژیم، بجای اینکه کانون روشنی بخش علوم باشد، تاریکستان جهل و خرافات است که در آن راه و رسم تمکین و توسری خوردن را به دانش‌آموزان می‌آموزند. دختران را از سن ۷ سالگی از پسران جدا می‌نمایند و حجاب بر سرشان می‌کشند و...

دانش‌آموزان این فضای سنگین را بعد از اینکه شانس آورده و از موانع بر سر راه گذشتند، بر خود دارند. یعنی آن هنگامی که آنها از هفت خوان ثبت نام و پرداخت اجباری شهریه گذشته‌اند و در کلاس‌های درسی که دو برابر گنجایش خود محصل در خود جای داده، نشسته‌اند، و همه کمبودهایی از قبیل کتاب و دیگر و نوشت افزار را بر روی خود نیاورده و با معلم خسته و کم حوصله چشم براه پایان روز برای رفتن به شغل دوم و گاهی سومش نیز ساخته‌اند.

درد و مشکلات دانش‌آموز ایرانی تنها درافتادن با موازین و مقررات سرکوبگرانه و مذهبی و وجود رسم و سنن فرسوده و ارتجاعی در سیستم آموزشی نیست، تنها کمبودهای و امکانات مالی، آموزشی و تحصیلی که از طرف رژیم از آنها دریغ می‌شود نیز نیست، مشکل و درد آنها

تحمیل و یا تحمل بار سنگین نداری و فقر خانواده‌هایشان نیز هست.

بخشی از آنها مجبورند یا بطور کلی از تحصیل و آموزش محروم گردند و تمام وقت به جرگه کودکان کار در آیند، و بخشی هم نیمه وقت مجبورند در کنار درس و تحصیل شان برای تامین معاش خانواده و تامین هزینه تحصیل خود به دستفروشی و انواع و اقسام کارهای دیگر پردازند.

در مقابل این همه محنت و فشار بر این نسل که برای اکثریت آنها بجز یاس و بی‌آیندگی چیزی به ارمغان نیاورده و در واقع آنچنان شرایطی را فراهم ساخته که اکثریت این شکوفه‌ها نشکفته پرپر شده‌اند، همواره اعتراض و مبارزه دانش‌آموزان در اشکال مختلف و متنوعی ادامه داشته است. عدم تمکین به سیستم آموزشی قرون وسطایی جمهوری اسلامی و مبارزه برای حقوق صنفی و سیاسی دانش‌آموزی واقعیتی بوده که به عنوان بخشی از مبارزه مردم کارگر و زحمتکش و آزادیخواه در همه عرصه‌ها، رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی را به مصاف طلبیده است.

بر تارک این مبارزات که احتیاج به تداوم، گسترش، تعمیق، سازمانیابی و همسویی و هماهنگی با دیگر مبارزات درون جامعه دارد، خواست‌های کنکرتی از قبیل موارد زیر وجود داشته و دارد.

آموزش و پرورش ابتدایی‌ترین حقوق مسلم همه است. در همه مدارس و مراکز آموزشی باید بر روی همه باز باشد، آموزش و پرورش باید اجباری و رایگان باشد و همه هزینه‌اش از بودجه دولت تامین شود. کار مدارس به صورت شیفتی لغو شود و تامین مدرسه به اندازه کافی در تمام محلات شهرها و روستاها با استفاده از امکانات بهداشتی و آموزشی باید در دستور کار دولت قرار گیرد. معلم به اندازه کافی تامین شود و....

مدارس باید محل آموزش علوم و پیشرفت‌های بشریت باشد. آموزش و پرورش باید از مذهب جدا باشد و هرگونه آموزش مذهبی اجباری در مدارس برچیده شود. تمام دروس مذهبی از مواد درس اجباری حذف گردد، جدایی مدارس دخترانه و پسرانه و مقررات و مراسم نیایش مذهبی در مدارس لغو گردد، جاسوسی و تفتیش عقیده باید ممنوع گردد و آزادی بیان و عقیده و احترام به شخصیت دانش‌آموز باید در راس وظایف هر مدرسه ای قرار گیرد.

هلمت احمدیان